

## شایستگی زیارت اهل قبور، عقیده مشترک عارفان و صوفیان تشیع و تسنن

مجتبی صداقت\*

### چکیده

یکی از سنت‌های رایج در میان اهل عرفان و تصوف، زیارت قبور است. عرفا و صوفیان، علاوه بر گزارش زیارت قبور در سیره خود، آن را در طی مسیر سیر و سلوک نیز مفید می‌دانستند؛ افزون بر این، تبیین مبانی و دلایل زیارت قبور نیز از دیگر موضوعاتی است که در آثارشان به وفور دیده می‌شود. توجه علمی و عملی آنها به این مسئله، انتقاد منتقدان و منع‌کنندگان زیارت قبور را برانگیخت و به تبع آن پاسخ اهل عرفان و تصوف را در پی داشت. در این نوشتار می‌کوشیم پس از تبیین مفهوم زیارت قبور، گزارشی از سیره و سلوک عملی این جریان در خصوص زیارت قبور و نیز مبانی نظری آن (تمسک به روایات و سیره، حیات برزخی و ارتباط روح با بدن و عالم زندگان، نفع بردن زائر و مزور، محبت و بزرگ‌داشت بزرگان) ارائه کنیم. همچنین اختلاف نظر عرفا و صوفیان شیعه و سنی در مصداق ولی، آداب زیارت و زیارت رفتن زنان بررسی می‌شود.

کلیدواژه‌ها: زیارت قبور، عرفان، تصوف، شیعه، سنی، سلوک عملی.

## مقدمه

جریان تصوف و عرفان در اسلام با داعیه تخلق یافتن به اخلاق الاهی در گفتار، افعال، علوم و احوال، نمود پیدا کرد (آملی، ۱۳۶۸: ۴۴). این جریان بر تصفیه نفس بر اساس سلوک الی‌الله و تقرب به حق تا مرحله وصول به حقیقت تکیه دارد و اعتمادی به استدلال‌های عقلی نمی‌کند (مطهری، ۱۳۷۴: ۱۴۹/۵). هدف در عرفان و تصوف، تنها کشف حقیقت نیست، بلکه وصول انسان با کل وجودش به حقیقت (خدا) و فناء فی‌الله است (همو، ۱۳۸۰: ۲۰۹/۱۳). تصوف و عرفان آموزه‌های علمی و عملی فراوانی دارد که یکی از آنها زیارت قبور و مسایل مربوط به آن است که در مسیر سلوک الی‌الله بر آن تأکید می‌شود. این آموزه، نخست در سیره عملی و نقل‌های شفاهی صوفیان دیده شد. در ادامه این سیره‌ها و نقل‌ها، در کتب زندگی‌نامه مشایخ تصوف گزارش شد (نک: جامی، ۱۳۷۰)؛ برخی نیز، در بیان اخلاق عارفانه، زیارت قبور را در طی مسیر سیر و سلوک ذکر کردند (نک: غزالی شافعی، بی‌تا: ۱۶۵/۱۵-۱۸۰). کم‌کم عرفا و اهل تصوف در لابه‌لای متون خود، مبانی و دلایل مشروعیت زیارت قبور را تبیین کردند. پرداختن به مسئله زیارت قبور در عمل و نظر، سبب شد آنها در نوک پیکان نقدهای علمی منتقدان و منع‌کنندگان زیارت قبور قرار گیرند (نک: آلوسی، ۱۴۱۵: ۲۲۴/۳۰ و ۱۸۵/۱۸-۱۸۷). بدین ترتیب پاسخ‌گویی صوفیان در مقابل ناقدان آغاز شد (نک: غزالی شافعی، بی‌تا: ۴۴۶/۳-۴۴۸؛ سهارنپوری، ۱۴۰۴: ۳۵-۳۶؛ کسنزان حسینی، ۱۴۲۶: ۳۳۷/۱۰-۳۶۰)، به طوری که برخی به تألیف کتاب مستقل در این زمینه پرداختند.<sup>۱</sup> مخالفان زیارت صرفاً به انتقاد علمی بسنده نکردند، بلکه به صورت عملی نیز اقدامات وحشیانه‌ای علیه زیارت قبور صورت گرفت؛ برای مثال، می‌توان به حمله گروه طالبان به صوفیان، در آرامگاه سخی سرور - از مزارات مورد احترام صوفیان اهل سنت - در دراقاضی‌خان استان پنجاب پاکستان، اشاره کرد (روزنامه جام جم، ۱۳۹۰: ۶).

در این مقاله می‌کوشیم زیارت قبور را از جنبه علمی و عملی، در عرفان و تصوف - اعم از شیعی و سنی - بررسی کنیم؛ با این هدف که زمینه‌ای برای تقریب بین شیعه و اهل سنت فراهم شده، جبهه واحدی در زمینه مقابله با منع‌کنندگان زیارت قبور - وهابی‌ها - شکل بگیرد.

## ۱. مفهوم زیارت

واژه «زیارت» از ریشه «زور» است و معانی مختلفی دارد؛ برخی گفته‌اند معنای اصلی

«زیارت»، رو برتافتن و کناره‌گیری است و وقتی «زائر» کسی را زیارت می‌کند از غیر او روی گردانده است (ابن‌فارس، بی‌تا: ۴۴۳). برخی نیز گفته‌اند «زور» به قسمت بالای سینه اطلاق می‌شده است (راغب، ۱۴۱۲: ۳۸۶). بعدها به معنای ملاقات کردن و روبه‌رو شدن به کار رفته است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۲۷۷/۲۷). طریحی این کلمه را به معنای «قصد» گرفته و می‌نویسد: «زیارت در عرف یعنی قصد کردن زیارت‌شونده برای اکرام و تعظیم او و طلب انس گرفتن با او» (طریحی، ۱۳۷۵: ۳۱۹/۳). طبق این معنا، به هر قصدی، «زیارت» گفته نمی‌شود؛ بلکه به قصدی اطلاق می‌شود که برای اکرام و تعظیم و انس گرفتن با زیارت‌شونده باشد (سبحانی، بی‌تا: ۷۳). ابن‌عربی می‌نویسد: «زیارت همان «میل» است و وقتی که کسی به قومی مایل شود می‌گویند: «زار فلان القوم»» (ابن‌عربی، ۱۴۰۵: ۱۰/۱۱۱-۱۱۰). برخی نیز، «زیارت» را به معنای «وصول و رسیدن» گرفته‌اند (نوربخش، ۱۳۷۳: ۱۰۷/۲).

در کتب عرفانی، واژه «زیارت» درباره خداوند (ابن‌عربی، ۱۴۰۵: ۱۰/۱۱۱-۱۱۰)، حج خانه خدا (آملی، ۱۳۶۷: ۱۱۲)، حضور در پیشگاه خدا در قیامت (غزالی شافعی، بی‌تا: ۱۲/۳۷۸)، ملاقات با خدا در جنت عدن (ابن‌عربی، ۱۴۰۵: ۵/۷۶)، رفتن به سوی قبر (غزالی شافعی، بی‌تا: ۱۵/۱۶۵) و دیدار برادران، دوستان و صالحان (همان: ۲/۳۳۴) به کار رفته است.

## ۲. مفهوم قبر

«قبر» در لغت به معنای غلاف است (سبزواری، ۱۳۷۲: ۴۴۰) و به مدفن انسان (ابن‌منظور، ۱۴۱۴: ۵/۶۸) و جایگاه میّت (راغب، ۱۴۱۲: ۶۵۱) اطلاق می‌شود؛ زیرا پس از مرگ، انسان را در دل زمین، پنهان می‌کنند (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۲۰/۲۰۷). جمع آن «قبور» است. «مقابر» نیز جمع مقبره و مقبره (به فتح و ضمّ باء) است (قرطبی، ۱۳۶۴: ۲۰/۱۵۷). برخی معتقدند مدفن انسان، قبر مجازی و نمودی از قبر واقعی اوست و قبر حقیقی انسان، بیرون از او نیست. وزان قبر حقیقی، وزان مراتب انسان است. قبر انسان مراتب طولی دارد؛ یعنی برای انسان، قبرها وجود دارد و تفاوت به کمال و نقص است (حسن‌زاده آملی، ۱۳۷۲: ۴۳۴). این تعبیر از قبر به هستی‌شناسی انسان در علم عرفان مربوط می‌شود.<sup>۲</sup>

مراد ما از «قبر» در این نوشتار، معنای اول است؛ یعنی مکانی که بدن انسان در آن دفن می‌شود.

### ۳. سیره عملی عرفا و صوفیان در زیارت قبور

از جمله سنت‌های بارز عارفان و صوفیان، زیارت قبور و سفر برای آن است. با تحقیق میدانی می‌توان به این نکته رسید که مزارات عرفا و متصوفه بسیار فراوان است. زیارت مدفن شیخ و بیتوته کردن در آن، بخشی از آدابی است که مریدان و معتقدان به وی انجام می‌دهند. جامی در کتاب *نفحات الانس*، از قبور صوفیانی از اهل سنت نام برده که قبرشان، زیارتگاه است و مردم برای تبرک به زیارت آن قبور می‌روند. این افراد عبارت‌اند از: معروف کرخی (م. ۲۰۰ ه.ق.) در بغداد (جامی، ۱۳۷۰: ۳۵)؛<sup>۳</sup> ابراهیم سِتْنَبَه هروی (زنده در قرن دوم ه.ق.) در قزوین (همان: ۴۰)؛ احمد بن خضرویه بلخی (م. ۲۴۰ ه.ق.) در بلخ (همان: ۵۳)؛ ابوالولید احمد بن ابی الرّجاء (م. ۲۳۲ ه.ق.) در قریه آزادان هرات (همان: ۳۳۵)؛ ابونصر بن ابوجعفر بن ابواسحاق هروی خانچه‌بادی (م. ۵۰۰ ه.ق.) در خانچه‌باد هرات (همان: ۳۶۰)؛ خواجه علی رامیتنی (م. ۷۱۵ ه.ق.) در خوارزم (همان: ۳۸۵)؛ شیخ بهاء‌الدین عمر (م. ۸۵۷ ه.ق.) در عیدگاه دارالسلطنه هرات (همان: ۴۵۸).<sup>۴</sup>

علاوه بر این افراد، برخی از صوفیان، که قبرشان زیارتگاه شده، عبارت‌اند از: رابعه عدویه (م. ۱۸۰ ه.ق.) (حلبی، ۱۳۸۵: ۲۴۸)؛ ابویزید بسطامی (م. ۲۶۱ ه.ق.) (همان: ۲۶۹)؛ سنایی غزنوی (م. ۵۳۵ ه.ق.) (همان: ۴۲۷)؛ شیخ احمد جامی (م. ۵۳۶ ه.ق.) (همان: ۴۳۷)؛ معین‌الدین محمد چشتی اجمیری (م. ۶۳۳ ه.ق.) پایه‌گذار طریقت چشتیه (همان: ۵۰۸)؛ نظام‌الدین اولیاء دهلوی (م. ۷۲۵ ه.ق.) (همان: ۶۶۲)؛ خواجه بهاء‌الدین نقش‌بند (م. ۷۹۱ ه.ق.) پایه‌گذار سلسله نقش‌بندیه (همان: ۶۷۱).

در کتاب *نفحات الانس* از رفتن برخی صوفیان به زیارت قبور، گزارش‌هایی داده شده است؛ افرادی مانند ابوالحارث اولاسی (جامی، ۱۳۷۰: ۴۰)؛ خواجه محمد پارسا (همان: ۳۹۹)؛ مولانا زین‌الدین ابوبکر تابیادی (همان: ۴۹۹)؛ شیخ ابوعمرو الصریفینی (همان: ۵۱۸)؛ شیخ ابوالحسن مغربی شاذلی (همان: ۵۶۶)؛ شیخ برهان‌الدین ابراهیم جعبری (همان: ۵۴۴).

قبر ابویزید (بایزید) بسطامی (م. ۲۶۱ ه.ق.) زائرانی همچون شیخ ابوالحسن خرقانی (م. ۴۲۵ ه.ق.) (مطهری، ۱۳۸۵: ۵۴/۲۳) و هجویری (م. حدود ۴۷۰ ه.ق.) (حلبی، ۱۳۸۵: ۲۶۹) داشته است. ابوالحسن خرقانی برای زیارت قبر ابویزید، فاصله چندفرسخی را پیاده طی می‌کرد (همان: ۳۵۰).

خواجه معین‌الدین محمد چشتی (م. ۶۳۳ ه.ق.) پیشوای طریقت چشتیه، در سفر طولانی خود به زیارت مقبره‌های شیخ ابوسعید ابوالخیر (م. ۴۴۰ ه.ق.)، شیخ ابوالحسن خرقانی (م. ۴۲۵ ه.ق.) و خواجه عبدالله انصاری (م. ۴۸۱ ه.ق.) رفته است (قاسمی، ۱۳۷۵: ۵/۶).

برخی از مزارات صوفیه در شبه‌قاره هند از چنان اهمیتی برخوردار است که نه تنها عامه مردم مسلمان و حتی هندوها به زیارت آنها می‌روند، بلکه پادشاهان نیز در طول تاریخ آنها را زیارت می‌کردند و از روح صاحبان آنها مدد می‌جستند. برخی از این مزارها عبارت‌اند از: آرامگاه هجویری (داتا گنج‌بخش) در لاهور؛ مزار معین‌الدین چشتی در اجمیر؛ آرامگاه بابافرید گنج‌شکر در پاک‌پتن؛ آرامگاه نظام‌الدین اولیا در دهلی؛ مزار گیسودراز در گلبرگه حیدرآباد دکن؛ مرقد شیخ بهاء‌الدین زکریا در ملتان؛ مقابر برخی بزرگان سهروردیه در اوج شریف؛ آرامگاه احمد سرهندی در شرق پنجاب؛ مزار شاه‌مدار در کانپور؛ و آرامگاه‌های یحیی مئی‌ری و پیر بدرالدین در بهار (آریا، ۱۳۸۷: ۴۴۶/۱۵).

در آفریقا، بقعه‌هایی وجود دارد که معمولاً مدفن یکی از مشایخ است و شامل محرابی جهت عبادت و محلی برای تلاوت قرآن و اعتکاف زائران است. همچنین غالباً این مکان‌ها روضه‌ای دارد که جهت تدفین مریدان شیخ استفاده می‌شده و گاهی هم ولی‌ای از اولیا، در زمان‌های بعدتر، در جوار روضه یا مرقد به خاک سپرده شده است. در آفریقا به این مکان‌ها «زاویه» می‌گویند (حلبی، ۱۳۸۵: ۲۲۵).

در مصر مزارات بستگان اهل بیت (ع) و بزرگان شیعه با گذشت زمان، مرکز برپایی آیین‌های گوناگون تصوف شده است (باقر، ۱۳۸۷: ۴۵۸/۱۵). در زمان ایوبیان در مصر برای برخی قبور صوفیان، مزار ساخته شد که برخی از این مزارها به خانقاه و مدرسه تبدیل شد (همان: ۴۵۹). در ۱۲۲۷ ه.ق. حاکم مصر به نام محمد علی، فرمانی صادر کرد که بر اساس آن نظارت بر طریقه‌های صوفیه، زاویه‌ها، تکیه‌ها و مزارات به شیخ‌الشیوخ وقت، محمد بکری واگذار شد (همان: ۴۶۱). از اواخر سده سیزده قمری و در سراسر سده چهاردهم، مهم‌ترین نشانه تصوف در مصر برپایی موالید و جشن‌هایی بود که به مناسبت زادروز پیامبر، اهل بیت و یا یکی از اولیا در مزارها و مساجد برپا می‌شد (همان: ۴۶۲-۴۶۳).

قبر احمد بدوی (م. ۶۷۵ ه.ق.)، بنیان‌گذار فرقه صوفیه احمدیه یا بدویه، از مهم‌ترین زیارتگاه‌های مصر است که هر سال جمعیتی میلیونی را به مناسبت مولد وی به خود جذب می‌کند (همان: ۴۶۳). نزد صوفیان مغرب، مزار برخی اصحاب پیامبر، که در آنجا واقع شده، مقدس شمرده می‌شود (ابراهیم، ۱۳۸۷: ۴۶۸/۱۵). در مغرب، برخی زاویه‌ها، که محل دفن

شیوخ است، به تدریج به زیارتگاه تبدیل شد (همان: ۴۶۹). برخی از این مزارها مربوط به زنانی است که در زوایا تعلیم می‌یافتند و به مراتب بالایی می‌رسیدند (همان: ۴۷۰). شمال آفریقا، به ویژه در دوره‌هایی که اوضاع سیاسی و اجتماعی اندلس نامساعد بود، یکی از مقاصد مهم صوفیه به شمار می‌رفت؛ چنان که عرفای مشهوری از اندلس به سلا در مغرب، فاس در مراکش و اسکندریه در مصر مهاجرت کردند و برخی از آنها در همان جا درگذشتند و مزارشان همچنان زیارتگاه است (همان: ۴۷۶/۱۵).

از اواخر سده هیجده میلادی و نیز طی سده نوزدهم، صوفیان در چین و اینگوش به تدریج اداره مزارهای مقدسان محلی و کشته‌شدگان در نبرد با نیروهای روسی را در دست گرفتند و از آنها به عنوان محل‌هایی برای برگزاری مراسم ذکر و نیز ارتباط با مردم عادی استفاده کردند. از این‌رو، این مزارها اندک‌اندک جای خانقاه‌ها را - که طبق قانون، فعالیت آنها ممنوع بود - گرفت. این روند در دهه‌های آغازین سده بیست میلادی نیز ادامه داشت؛ چندان که مقامات شوروی یکی از اهداف تبلیغات ضداسلامی خود را مبارزه با فرهنگ زیارت مزارها قرار دادند و در موارد بسیار با ویران کردن یا تغییر کاربری مزارها به موزه یا باشگاه، در حذف آنها کوشیدند؛ اما این مزارها همچنان مورد توجه صوفیان و مردم عادی است. برخی از این آرامگاه‌ها عبارت‌اند از: مزار شیخ محمد بلخانی، از مشایخ نقش‌بندیه شمال قفقاز؛ مزار مادر کوتاحاجی در ناحیه ودن؛ مزار شیخ اومال آخاد در روستای سیرجان-یورت در ناحیه شالی؛ مزار تاشوحاجی در روستای سایسان در ناحیه نوژی-یورت؛ مزار اوزون‌حاجی در روستای شامل‌ختر در ناحیه ودن؛ مزار دگو شیخ در ناحیه گروزنی؛ و مزار بَمَت‌گرای میتایف و پسر و جانشینش، شیخ علی، در ناحیه شالی (فلاحتی موحد، ۱۳۸۷: ۴۳۶/۱۵).

سلسله‌های صوفیه در چین مینهوان نامیده می‌شوند و خانقاه‌های آنها اغلب در کنار مزار شیوخ نخستین است (خندق‌آبادی، ۱۳۸۷: ۴۵۰/۱۵). در سده‌های ده تا سیزده هجری قمری در یمن، زیارت مقبره صوفیان به قصد طلب حاجت رواج داشته است (صاحب، ۱۳۸۷: ۴۵۶/۱۵)؛ حتی یمنی‌هایی که از اعضای طریقه‌های صوفیه نیستند، به زیارت مقبره شیوخ صوفیه، به ویژه آرامگاه شیخ احمد بن علوان در یَفْرُس و مقبره علی بن عمر شاذلی (د. ۸۲۱ ق.ه) در شهر مَخا می‌روند (همان: ۴۵۷).

از مزارات مورد توجه صوفیان، قبر جلال‌الدین محمد مولوی (م. ۶۷۲ ق.ه) در قونیه ترکیه است. یکی از افرادی که به مزار مولانا در قونیه رفته چنین گزارش می‌دهد:

از غایت شوق مستقیماً به زیارت تربت مولانا شنافتیم. زائران و مشتاقان، نیازمندان و ارادتمندان مولانا، همه با پای برهنه از مقابل ترینگاه می‌گذشتند و بر درپچه مسین کوچکی که مقابل آن نهاده بودند بوسه می‌زدند (علوی طباطبایی، ۱۳۸۲: ۱۲).

یکی از وهابی‌ها، برخی از گروه‌های صوفی و زیرشاخه‌هایشان از اهل سنت را، که قائل به زیارت قبور هستند، چنین نام می‌برد: قادریه، رفاعیه، شاذلیه مغربیه و مصریه، میرغنیه، جلوتیه، خلوتیه، مداریه هندیه، چشتیه افغانیه و هندیه، سهروردیه، مولویه مثنویه رومیه و فارسیه و افغانیه و ترکیه و هندیه، بدویه سطوحیه و مصریه، نقش‌بندیه فارسیه و ترکیه و افغانیه و هندیه، مجددیه هندیه و افغانیه و ترکیه، تیجانیه آفریقاییه و مغربیه، و ... (سلفی افغانی، ۱۴۱۶: ۲۷/۱-۲۸).

#### ۴. مبانی زیارت قبور در عرفان و تصوف

چند مبانی اساسی در زیارت قبر نزد عرفا و صوفیان وجود دارد که بر پایه آن حکم به زیارت قبور می‌کنند:

##### الف. تمسک به روایات و سیره

یکی از مبانی عارفان و صوفیان متشرع در زیارت قبور، تعبد نسبت به روایات و سیره است (نک: غزالی شافعی، بی‌تا: ۴۷۱/۳-۴۷۶ و ۱۷۴/۱۵-۱۸۰). در شیعه، سید علی بن موسی بن طاووس حلی (م. ۶۶۴ ه.ق.) بر پایه روایات، کتاب *مصباح الزائر و جناح المسافر* را در زمینه زیارت می‌نگارد. ابن‌فهد حلی در *عدة الداعی* روایاتی ذکر می‌کند که اشرف مکان‌ها برای دعا، نزد قبر امام حسین (ع) است (حلی، ۱۴۰۷: ۵۷) و حدیثی قدسی را در امر خداوند به حضرت عیسی (ع) برای زیارت قبور به جهت پند گرفتن نقل می‌کند (همان: ۱۶۸). ابن‌ابی‌جمهور احسایی در کتاب خود روایاتی را نقل می‌کند که بر اساس آن پیامبر، در ابتدا، از زیارت قبور نهی کرد و سپس آن را نسخ و دوباره بدان امر کرد (احسائی، ۱۴۰۵: ۴۵/۱ و ۶۱/۲).

غزالی شافعی، هفت روایت نبوی در تشویق به زیارت قبور می‌آورد که راویان برخی از این احادیث، حضرت امیر، ابن‌ابی‌ملیکه، عایشه و ابوذر هستند. غزالی در ادامه از ابوهریره، سلیمان بن سحیم، مردی از آل عاصم جحدری، محمد بن واسع، ضحاک، بشر بن منصور، مطرف بن ابوبکر هذلی، نقل‌ها و داستان‌هایی درباره زیارت قبور بیان می‌کند

(غزالی شافعی، بی تا: ۱۷۴/۱۵-۱۸۰). همچنین گزارش‌هایی می‌دهد که بر اساس آن افراد ذیل برخی از قبور را زیارت کرده‌اند:

پیامبر اکرم، حضرت امیر، حضرت زهرا، عایشه، مجاهد، ابوذر، عمر بن خطاب، عثمان بن عفان، عمرو بن عاص، ابودرداء، ابن عمر، عمر بن عبد العزیز، امام جعفر صادق، یزید رقاشی، حاتم اصم، بکر عابد، یحیی بن معاذ، حسن بن صالح، عطاء سلمی، سفیان، ربیع بن خثیم، احمد بن حرب، میمون بن مهران، ثابت بنانی، فاطمه بنت الحسین، فرزدق، حسن (همان: ۱۶۷-۱۷۶).

در خصوص جماعتی از سلف، مانند مالک، حکایت شده که دعوت‌ها را اجابت نمی‌کردند و به عیادت مریض‌ها و جنازه‌ها نمی‌رفتند و در خانه می‌ماندند و جز برای نماز جمعه و زیارت قبور از خانه خارج نمی‌شدند (حقی بروسوی، بی تا: ۳۸۴/۹).

### ب. حیات برزخی و ارتباط روح (پس از مرگ) با بدن خود و عالم زندگان

حیات برزخی پس از مرگ، یکی دیگر از مبانی زیارت قبور است. آنها برای انبیاء، اولیاء، شهدا و بقیه اموات حتی کفار با تفاوت جایگاه، حیات برزخی قائل‌اند و معتقدند بین عالم زندگان و عالم ارواح، علقه و ارتباط وجود دارد (نک: کسنزان حسینی، ۱۴۲۶: ۳۴۰/۱۰-۳۴۳). همچنین در اثر مرگ هنوز ارتباط روح با بدن قطع نشده است و ارتباط نفس با قبر برقرار است و رفتن به زیارت اموات، سبب متوجه شدن روح میت به این حضور است؛ زیرا بدن، خانه قرار آن و محل نشو و نمو و ماده ظهور فعلی آن بوده است. نفس دو نوع علاقه و ارتباط با بدن دارد: «ارتباط صوری» و «ارتباط مادی» که مرگ باعث می‌شود ارتباط صوری آن قطع شود؛ اما ارتباط مادی آن محفوظ می‌ماند و به همین جهت زیارت اموات تشریح شده است (قیصری رومی، ۱۳۷۵، حواشی امام: ۸۱۳-۸۱۴).

### ج. نفع بردن زائر و مزور

زائر در زیارت قبور نفع می‌برد و به مزور نفع‌رسانی می‌کند. زائر می‌تواند از زیارت سه فایده را کسب کند:

۱. بهره‌گیری از تأثیرگذاری انسان کامل پس از مرگ  
عرفای شیعه در خصوص مقام ائمه معصومین - که انسان‌های کامل و اولیای حقیقی‌اند -



پس از مرگشان، قائل‌اند که به محض جدا شدن روح آنها از جسم، غلبه و احاطه‌شان به این عالم قوی‌تر می‌شود و تأثیرگذاری و تصرفاتشان در این نشئه مادی بیش از زمان حیاتشان می‌گردد؛ چنانچه بهاری همدانی در این زمینه می‌نویسد:

چون قصد زیارت اولیای حقیقی - سلام الله علیهم - را بنماید، اولاً باید بداند که نفوس مقدسه طیبه طاهره چون از ابدان جسمانیه مفارقت نمود و متصل به عالم قدس و مجردات گردید غلبه و احاطه ایشان به این عالم اقوی گردد و تصرفاتشان در این نشئت بیش از سابق می‌شود و اطلاعاتشان به زائرین اتم و اکمل گردد. «فهم احیاء عند ربهم یرزقون فرحین بما آتیهم الله من فضله». پس نسیم الطافشان و رشحات انوار آن بزرگواران بر زوار و قاصدین ایشان می‌رسد، خصوصاً للخلص من قاصدیهم (بهاری همدانی، ۱۳۸۲: ۱۸۵).

سید حیدر از کسب فیوضات علمی و معارفی خود از راه عبادت و زیارت معصومین (ع) خبر داده است (آملی، ۱۳۶۷: ۱۴۷).

در میان اهل سنت نیز، صوفیان اعتقاد به تأثیرگذاری روح انسان کامل در زیارت قبرش دارند. نسفی، این مبنا را به خوبی در کتاب *الانسان الکامل* بیان کرده است. وی قائل است ملائکه آسمانی، پاک و صافی هستند و علم و طهارت دارند. ملائکه هر آسمانی که بالاتر است پاک و صافی‌ترند و علم و طهارت بیشتری دارند. هر قدر انسان با ریاضت‌ها و مجاهدت‌ها، پاک‌تر و صافی‌تر شود و علم و طهارت بیشتری حاصل کند، مناسبت او با ملائکه بالاتر بیشتر می‌شود تا اینکه به جایی برسد که در پاکی، صفا، علم و طهارت از همه ملائکه سبقت بگیرد و به عقل اول برسد؛ البته در اینکه از عقل اول هم سبقت بگیرد اختلاف نظر وجود دارد. این نهایت مقامات انسان است و علامت آن این است که هیچ چیز از ملک و ملکوت و جبروت و مبدأ اول بر وی پوشیده نمی‌ماند. همان‌طور که دیگران در خواب ارواح انبیا، اولیا و ملائکه را می‌بینند و با آنها سخن می‌گویند و از آنها مدد و یاری می‌خواهند، انسان کامل تمامت اشیا، تمامت حکمت و طبیعت و خاصیت و حقیقت اشیا را - کما هی - می‌فهمد و می‌بیند. معنای کشف، وحی و الهام این است و چنین فردی را انسان کامل می‌گویند. همان‌طور که عقول و نفوس عالم علوی در این عالم سفلی مؤثرند، هر که به مقام انسان کامل برسد نیز چنین خواهد شد و به اهل عالم سفلی، در امور دنیا و آخرت،

مدد و یاری بسیار می‌رساند. اگر بعد از وفات او بر سر قبرش به زیارت بروند و استمداد کنند، مدد خواهند شد (نسفی، ۱۳۶۲: ۲۳۵-۲۳۷).

نسفی در جای دیگر، تأثیر و تأثر از روح پاکان را حکمت و حقیقت زیارت دانسته است. او معتقد است انبیا برای اصلاح ظاهر مردم آمده‌اند و تا ظاهر، درست نشود باطن، درست نمی‌شود. ظاهر در باطن و باطن در ظاهر اثرهای فراوانی دارد. وقتی ظاهر و باطن درست شد باطن در میان دو عالم پاک قرار می‌گیرد؛ در یک طرف، عالم شهادت و محسوسات (بدن) است و در طرف دیگر عالم غیب و معقولات (عالم ملائکه و ارواح پاکان). آن طرف، که عالم غیب است، همیشه پاک است و باطن انسان از آن، هرگز زحمت و ظلمت و کدورت نمی‌بیند؛ اما این طرف، که بدن قرار دارد، مادام که وابسته به لذات و شهوات و اسیر حرص و غضب است ظلمانی است و باطن را مکدر می‌کند؛ بدین سبب باطن از عالم غیب - که عالم ملائکه و ارواح پاکان است - نمی‌تواند اکتساب علوم و اقتباس انوار کند. وقتی بدن پاک شد و باطن در میان دو عالم پاک قرار گرفت، هر چه در عالم غیب باشد در باطن سالک پیدا می‌شود؛ همچون دو آینه صاف که در مقابل یکدیگر قرار می‌گیرند و هر چه در خود دارند به یکدیگر نشان می‌دهند. حکمت در زیارت قبور این است و حقیقت زیارت نیز همین است (همان: ۸۸-۸۹).

حقی بروسوی، در جریان طوفان زمان حضرت نوح (ع)، گفت‌وگوی ایشان با شیطان را بیان می‌کند که شیطان تصمیم بر توبه گرفت. وحی آمد که توبه او، سجده کردن به قبر حضرت آدم (ع) است. شیطان گفت من این کار را در زمان حیات آدم، ترک کردم؛ حال در زمان میت بودن او سجده کنم. حقی بروسوی نتیجه می‌گیرد که سجده بر حضرت آدم (ع) در حالی که در قبر دفن شده، مانند سجده بر او در زمان حیاتش است؛ زیرا انبیا زنده‌اند؛ اولیای کامل خداوند نیز چنین‌اند. چنانچه صائب می‌گوید:

مشو به مرگ ز امداد اهل دل نومید      که خواب مردم آگاه عین بیداریست

و شیطان رجیم از این نکته غافل بود؛ به همین دلیل از قبول حق آشکار سر باز زد و مانند شیطان است کسی که اولیا و زیارت قبورشان و استمداد از آنها را انکار می‌کند (حقی بروسوی، بی‌تا: ۱۳۷/۴).

مولوی در *مثنوی*، کیفیت تأثیرپذیری ابوالحسن خرقانی از مزار بایزید را چنین می‌سراید:

هر صباحی رو نهادی سوی گور      ایستادی تا ضحی اندر حضور

یا مثال شیخ پیشش آمدی      یا که بی‌گفتی شکالش حل شدی

(مولوی، ۱۳۷۳: ۵۶۵)

شایستگی زیارت اهل قبور، عقیده مشترک عارفان و صوفیان تشیع و تسنن / ۱۰۳

وجود این باور که پس از مرگ اولیای خدا، کرامات آنها - مانند دوران حیاتشان - همچنان دوام دارد، سبب شد تا مزارهای صوفیه به زیارتگاه‌ها و محل‌هایی برای طلب حاجات تبدیل شود. بسیاری از این مکان‌ها تا به امروز برپا هستند و زائران بی‌شماری دارند (حقی بروسوی، بی‌تا: ۴۵۱/۶).

## ۲. زیارت قبر انبیا و رسولان و ائمه (ع) سبب اجابت دعا و قبولی عبادات

سید حیدر آملی، با تبیینی که از قوانین الاهی ارائه می‌کند زیارت قبور پیامبران و ائمه (ع) را باعث قبولی طاعات و به اجابت رسیدن ادعیه می‌داند. وی معتقد است تمام قوانین الاهی مبتنی بر رعایت زمان و مکان و اخوان است؛ همان‌گونه که نماز جماعت، هر سه عنصر مکان (خانه خدا)، زمان (وقت معین نماز) و اخوان (گرد هم آمدن مسلمانان) را دارد و هر گاه این سه جمع شد دعایشان مستجاب و طاعتشان قبول می‌شود، در زیارت قبور انبیا و رسولان و ائمه (ع) نیز این سه رکن وجود دارد (آملی، ۱۳۶۸: ۲۸۳-۲۸۵).

## ۳. زیارت قبور راهی برای سیر و سلوک و کسب فضایل

یکی از سودمندترین کارها برای سیر و سلوک، زیارت قبور است (جامی، ۱۳۷۰: ۱۱۴)؛ زیرا یاد مرگ سبب زهد و ترک دنیا و روی‌آوری به آخرت می‌شود (غزالی شافعی، بی‌تا: ۱۶۷/۱۵). زیارت قبور بهترین عامل یادآوری مرگ است. احمد غزالی می‌نویسد:

سید عالم - علیه‌السلام - ابوذر را می‌گفت: «جاور اهل القبور و زرها احیاناً تذکرک الاخرة و شیع الجنازة لعل ذلک یحرک قلبک و یحزنک»؛ به گورستان عزیزان [غریبان] برگرد با فکرتی: «و هو ان تجعل الغائب حاضراً» و با عبرتی: «و هو ان تجعل الحاضر غائباً» تا تو را راهنمایی کند (غزالی، ۱۳۷۶: ۲۰۸).

ابن عربی ضمن وصایای حکمیه خود، توصیه به کثرت زیارت قبور می‌کند (ابن عربی، بی‌تا: ۵۰۰/۴). ابوحماد غزالی شافعی در *احیاء علوم الدین* برای تحصیل زهد، کناره‌گیری از دنیا، اصلاح فساد قلب، تنبه و تذکر و فراموش نکردن آخرت به بیان سخنان تکان‌دهنده بزرگان و صوفیان در زیارت مقبره‌ها (غزالی، بی‌تا: ۱۶۷/۱۵-۱۷۱) و اشعاری که بر روی سنگ قبرها برای پندگیری زائران حک شده می‌پردازد (همان: ۱۷۱-۱۷۲). برخی خانقاه‌ها و محل اجتماعات صوفیان نیز برای عبرت‌گیری در کنار قبرستان‌ها بنا می‌شده است (حلی، ۱۳۸۵: ۲۲۲).

ابن عربی زیارت قبور را برای کسب صفت «تسلیم» مفید می‌داند. وی، نخست، زیارت را به معنای میل می‌گیرد؛ سپس زیارت مردگان را میل به آنها به خاطر عشق به صفتی که آنها دارند می‌داند که آن، صفت موت است؛ زیرا برای میت، فی‌نفسه هیچ حکمی نیست. او حکم کسی را دارد که در او تصرف می‌شود و هیچ منع و نپذیرفتن و ستایش و مذمت و اعتراضی برای او قابل تصور نیست. میت، تسلیم محض است. سزاوار است که حال زائر نسبت به خدا، حال مرده‌ای باشد که هر چه قضای خداوند برای او رقم بخورد او تسلیم باشد (ابن عربی، بی‌تا: ۶۲۰/۲).

همان‌گونه که زائر از زیارت نفع می‌برد می‌تواند به مزور نیز نفع‌رسانی کند. یکی از اهداف زیارت قبور، انتفاع مزور از دعای زائر است (غزالی، بی‌تا: ۱۷۹/۱۵). از مصادیق برّ و نیکی به والدین پس از مرگ آنها، زیارت قبرشان در هر جمعه است (همان: ۱۷۵-۱۷۶؛ حقی بروسوی، بی‌تا: ۴۵۱/۶). غزالی شافعی در *احیاء علوم الدین*، به نقل احادیث و داستان‌هایی در این زمینه می‌پردازد و به همین جهت دعا و طلب غفران و تلاوت قرآن زائر برای اموات را مورد تأکید قرار می‌دهد (غزالی، بی‌تا: ۱۷۷/۱۵-۱۸۰).

## د. محبت و بزرگ‌داشت بزرگان

در زمینه زیارت بزرگان دو ویژگی خاص وجود دارد:

### ۱. محبت به صاحب قبر

حقی بروسوی یکی از راه‌های محکم کردن علقه محبت بین مسلمانان و پیامبر اکرم (ص) را زیارت قبر ایشان برمی‌شمارد (حقی بروسوی، بی‌تا: ۲۵۵/۳-۲۵۶). در دل عارفان شیعی نسبت به زیارت قبور معصومین (ع) عشق، شور، کشش و محبت، نهفته است و دل، فرمان داده و زائر را به مزار رسانده است. بحرالعلوم در بیان دهمین مرحله و منزل سیر و سلوک، که ارادت است، می‌نویسد:

آن، عبارت است از اینکه باطن خود را از تعلق خاطر و کمال اخلاص و محبت نسبت به مقنن قوانین اعمالی که آن را شریعت خود قرار داده، که صاحب شریعت و خلفای او باشد ... و از تتمه این ارادت است اخلاص نسبت به ذریه رسول - صلی الله علیه و آله و سلم - و منسوبان و شعائر ایشان از مشاهد و قبور و کتب جامعه کلمات شریفه ایشان ...

شایستگی زیارت اهل قبور، عقیده مشترک عارفان و صوفیان تشیع و تسنن / ۱۰۵

أمر على الديار ديار سلمى      أقبل ذا الجدار و ذا الجدارا  
و ما حبّ الديار شغفن قلبى      و لكن حبّ من سكن الديارا<sup>۱</sup>  
(بحرالعلوم، ۱۴۱۸: ۱۵۲-۱۵۴)

این عشق و علاقه عرفای شیعه به مزار حضرات معصومین (ع) در اشعارشان نیز، تبلور پیدا کرده است؛ برای مثال، شیخ بهایی در دیوان اشعار خود، درباره کربلا و نجف، چنین می‌سراید:

ای نسیم صبح، خوشبو می‌رسی      از کدامین منزل و کو می‌رسی  
می‌فزاید از تو جان‌ها را طرب      تو مگر می‌آیی از ملک عرب  
تازه گردید از تو جان مبتلا      تو مگر کردی گذر از کربلا  
می‌رسد از تو نوید لاتخف      می‌رسی گویا ز درگاه نجف  
بارگاه مرقد سلطان دین      حیدر صفر، امیرالمؤمنین  
(بهایی عاملی، بی‌تا: ۵۷)

موسوی خمینی رفتن به زیارت مشاهد اولیا را از اقسام هجرت - و لکن صوری - برمی‌شمارد و می‌نویسد:

هجرت صوری و صورت هجرت عبارت است از هجرت به تن از منزل صوری به سوی کعبه یا مشاهد اولیا؛ و هجرت معنوی خروج از بیت نفس و منزل دنیا است الی الله و رسوله و هجرت به سوی رسول و ولی نیز هجرت الی الله است (موسوی خمینی، ۱۳۷۰: ۸)

## ۲. بزرگ‌داشت و تعظیم مزور

مزار انبیا، پیامبر اسلام (ص)، ائمه معصومین (ع) و بزرگان، به اعتبار صاحبان آن، محترم است. صاحب کتاب *المهند علی‌المفند*<sup>۶</sup> راجع به نیت شدّ رحال به خاطر زیارت قبر نبی مکرم اسلام (ص)، بزرگ‌داشت ایشان را خاطر نشان می‌کند که:

نزد ما و مشایخمان، زیارت قبر سیدالمرسلین از اعظم قُربات، اهمّ ثنوبات و انجح برای رسیدن به درجات است؛ بلکه به واجبات، نزدیک است؛ هرچند که با شدّ رحال و بذل خون و مال، همراه باشد. وقتی کسی برای زیارت قبر ایشان شدّ رحال

می‌کند نیت زیارت ایشان کند و همراه آن نیز نیت زیارت مسجدالنبی و سایر بقعه‌ها و مشاهد شریفه نماید؛ بلکه فقط نیت زیارت قبر ایشان کردن اولی است؛ چون پس از رسیدن، زیارت مسجد نیز برای او حاصل می‌شود و این‌گونه نیت کردن، تعظیم و بزرگ‌داشت پیامبر است و موافق با این فرمایش پیامبر است که فرمود: «من جانی زائراً لا تحمله حاجة الا زیارتی کان حقاً علیّ ان اکون شفیعاً له یوم القیامة (سهارنبوری، ۱۴۰۴: ۳۴-۳۵).

### ۵. تفاوت دیدگاه در مسئله زیارت قبور

با اینکه جواز و تأکید بر زیارت قبور از مشترکات عرفا و صوفیان است، اما با این حال تفاوت‌هایی میان آنها دیده می‌شود. این تفاوت‌ها را از چند جهت می‌توان بررسی کرد:

#### الف. تفاوت در مصداق ولی

عرفا و متصوفه بر زیارت قبر اولیا تأکید دارند، اما در اینکه «مصداق ولی کیست؟» اختلاف است. در بین عارفان و صوفیان شیعه و سنی و در بین انشعابات مختلف صوفیان، مصداق ولی متفاوت است.

#### ب. تفاوت در آداب زیارت

ممکن است فعلی در زیارت قبر نزد گروهی از آنان ممنوع شمرده شده باشد و نزد برخی دیگر مورد تأکید باشد؛ برای مثال، غزالی مسح، مسّ و بوسیدن قبر را ممنوع می‌داند (غزالی، شافعی، بی تا: ۱۷۶)؛ با این حال، بسیاری بر این امور اهتمام دارند (نک: بهاری همدانی، ۱۳۸۲: ۱۸۵-۱۸۷).

#### ج. تفاوت در حکم زیارت قبر رفتن برای زنان

در توصیه‌های عرفا و صوفیان در خصوص زیارت، تفکیکی بین زن و مرد دیده نمی‌شود؛ با وجود این، در برخی آثار صوفیانه، موضع‌گیری نسبت به رفتن زنان به زیارت قبور دیده می‌شود. هرچند آنها در رابطه با اصل زیارت، سخنی نگفته‌اند، با این حال، به دلیل عوارض منفی‌ای که در زیارت رفتن آنها وجود دارد آن را تقبیح کرده‌اند؛ برای مثال، ابوحامد غزالی، پس از نقل اینکه عایشه به زیارت قبر برادر خود رفت، می‌نویسد:

نباید بر این روایت تمسک نمود و به زنان در رفتن به گورستان اذن داد؛ زیرا آنها بر سر قبرها سخنان بیهوده بسیار می‌گویند؛ پس خیر زیارت رفتن زنان، کمتر از شرّ آن است و در راه از تکشّف و تبرّج خالی نمانند؛ در حالی که این از گناهان بزرگ است و زیارت سنت می‌باشد. بله! اشکالی ندارد اگر زن با پوشیدن لباسی که چشم مردان را از خود باز دارد به زیارت قبر رود؛ به شرط اقتضای بر دعا و ترک سخن گفتن بر سر قبرها (غزالی شافعی، بی‌تا: ۱۷۵/۱۵).

محمد امین کردی نقش‌بندی شافعی می‌نویسد:

زیارت قبر برای زنان کراهت دارد؛ به خاطر جزع کردن آنها و قلت صبرشان. کراهت هم در جایی است که اجتماع زنان برای زیارت قبر، مشتمل بر حرامی نباشد و الا زیارت برای آنان حرام است؛ با این حال، برای زنان مستحب است به زیارت قبر پیامبر اکرم و سایر انبیا و علما و اولیا بروند (کردی، ۱۴۱۳: ۲۲۷).

## ۶. آداب زیارت نزد عرفا و صوفیان

در عرفان شیعی، زائر برای زیارت قبور حضرات معصومین (ع) باید ادب و احترام را رعایت کند؛ زیرا آنها از حضور زائر آگاه‌اند؛ چنانچه بهاری همدانی می‌نویسد:

[زائر قبور معصومین] باید بداند که آنها مطلع بر حرکات و سکنات این شخص، بلکه مطلع به خطورات قلبیه این هستند و لذا باید کمال سعی در تضرع و ذل و انکسار بنماید، خصوصاً در حین دخول به مرقد‌های شریفه ایشان و حواس خود را به تمامه و کماله جمع نماید، که تفرقه حواس و تشتت افکار باطله به منزله پشت کردن به امام است. مبدا با کسی صحبت خارجه بکند؛ چه جای اینکه در حرم مطهر نستجیر بالله غیبت کند یا گوش به غیبت دهد و یا دروغ گوید یا به سایر معاصی مرتکب شود؛ بلکه صدا هم نباید بلند کند. «لا ترفعوا اصواتکم فوق صوت النبی» (حجرات: ۲) در اینجا هم جاری است؛ خصوصاً در حرم امیر - سلام الله علیه - که به منزله نفس رسول خدا - صلی الله علیه و آله و سلم - است (بهاری همدانی، ۱۳۸۲: ۱۸۶).

ابوحامد غزالی بر زیارت قبور صالحان به منظور تبرک جستن از آن تأکید دارد (غزالی شافعی، بی تا: ۱۷۴/۱۵) و سفر برای زیارت قبور انبیا، صحابه، علما و اولیا را سفری عبادی می‌داند و معیاری به دست می‌دهد که کسانی که در زمان حیاتشان، از حضورشان تبرک جسته می‌شد بعد از وفاتشان نیز می‌توان با زیارت قبرشان از آنها تبرک جست و به خاطر این غرض می‌توان برای زیارت، شدّ رحال کرد و به سفر رفت (همان: ۹۹/۶-۱۰۰). غزالی، در کتاب *احیاء علوم الدین* برای زیارت قبور آدابی ذکر می‌کند؛ مانند سلام دادن، مسح و مس نکردن و نبوسیدن قبر، قرائت برخی سوره‌های قرآن (همان: ۱۷۶/۱۵-۱۸۰). نسفی در آداب زیارت و طلب حاجت نزد قبر انسان کامل می‌نویسد:

صورت زیارت کردن و دعا کردن آنچنان است که بر سر تربت چنین کس رود و دور بایستد و متوجه آن تربت شود و آن ساعت از هر چیزها باز آید و آینه دل را پاک و صافی گرداند تا روح زائر با روح مزور به واسطه قبر ملاقاتی افتد (نسفی، ۱۳۶۲: ۲۳۶).

آلوسی قبل از نقد صوفیان، آداب زیارت آنان را چنین بیان می‌کند:

صوفیان قائل‌اند که باید در زیارت قبر اولیای الهی با کامل‌ترین حالت در رعایت ادب و با حواس جمعی، به وسیله قلبش اذن دخول بگیرد و شیخ خود را واسطه بین خود و ولی قرار دهد. اگر شرح صدر و مدد روحانی و فیض باطنی برایش حاصل شد داخل شود و الا برگردد (آلوسی، ۱۴۱۵: ۱۸/۱۸۵).

### نتیجه‌گیری

بر اساس مطالبی که گذشت، روشن می‌شود که انجام زیارت قبور در بین عرفا و صوفیان شیعه و سنی، بسیار فراگیر و وسیع است. این مسئله در بین آنها، در عرصه علمی و عملی، نکات قابل توجهی را از حیث مبانی و آداب در بردارد. علی‌رغم تفاوت‌های جزئی، زیارت قبور از مشترکات عرفان و تصوف شیعی و سنی است؛ به گونه‌ای که این اشتراک را در عمل و مبنا و برخی آداب شاهد هستیم. این مسئله، علاوه بر دارا بودن جنبه‌هایی تقریبی بین مذاهب، می‌تواند جبهه واحدی را در زمینه مقابله با منتقدان آن (وهابی‌ها) پدید آورد.



### پی‌نوشت‌ها

۱. مانند تحقیق *الآمال فيما ينفع الميت من الأعمال و الزيارة النبوية بين الشرعية و البدعية* اثر سید محمد بن علوی مالکی حسنی.
۲. برای اطلاع بیشتر در خصوص مبانی و مسایل این بحث نک: شیرازی، ۱۳۷۹: ۲۲۰/۹؛ موسوی خمینی، ۱۳۷۴: ۳۷/۲؛ حسن‌زاده آملی، ۱۳۷۹: ۸۰۷-۸۱۰؛ حسن‌زاده آملی، ۱۳۷۲: نکته ۳۲۲ و ۶۵۴ و ۷۵۹.
۳. علامه امینی در جلد پنجم از کتاب *الغدیر* (ص ۲۸۰-۲۸۱) اهتمام اهل سنت به زیارت قبر معروف کرخی و تبرک جستن به آن را از منابع اهل سنت ذکر کرده است.
۴. البته این نکته در حاشیه یکی از نسخه‌های خطی آمده است.
۵. بر دیوار سرای لیلی می‌گذرم و سرای و دیوار او را می‌بوسم. دوستی دیار، دل مرا اسیر نکرده است؛ اما دوستی ساکن این دیار، مرا مغلوب گردانیده است.
۶. این کتاب در بیان عقاید دیوبندی هاست که به تأیید حدود پنجاه نفر از علمای منتسب به طریقت نقش‌بندیه، چشتیه، قادریه و سهروردیه رسیده است.

### منابع

- ابراهیم، علیرضا (۱۳۸۷). «تصوف؛ تصوف در سرزمین‌های گوناگون؛ مغرب»، در: *دائرة المعارف بزرگ اسلامی*، زیر نظر: کاظم موسوی بجنوردی، چاپ اول، تهران: مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی.
- احسانی، ابن ابی جمهور (۱۴۰۵). *غوالی (عوالی) اللثالی العزیزیه، الطبعة الاولى*، قم: دار سید الشهداء للنشر.
- ابن عربی، محی‌الدین (بی‌تا). *الفتوحات المکیه*، ج ۴، بیروت: دار صادر.
- \_\_\_\_\_ (۱۴۰۵). *الفتوحات المکیه*، ج ۱۴، تحقیق: عثمان یحیی، الطبعة الثانية، مصر: بی‌نا.
- ابن فارس، احمد (بی‌تا). *معجم مقاییس اللغة*، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴). *لسان العرب*، سوم، بیروت: دار صادر.
- امینی، عبدالحسین (۱۴۱۶). *الغدیر فی الكتاب و السنه و الادب، الطبعة الاولى*، قم: مرکز الغدیر للدراسات الاسلامیه.
- آریا، غلامعلی (۱۳۸۷). «تصوف؛ تصوف در سرزمین‌های گوناگون؛ شبه‌قاره هند»، در: *دائرةالمعارف بزرگ اسلامی*، زیر نظر: کاظم موسوی بجنوردی، چاپ اول، تهران: مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی.
- آلوسی، سید محمود (۱۴۱۵). *روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم، الطبعة الاولى*، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- آملی، سید حیدر (۱۳۶۸). *جامع الأسرار و منبع الأنوار*، چاپ اول، [بی‌جا]: انتشارات علمی و فرهنگی وزارت فرهنگ و آموزش عالی.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۶۷). *المقدمات من کتاب نص النصوص*، چاپ دوم، [بی‌جا]: انتشارات توس.

باقر، علیرضا (۱۳۸۷). «تصوف؛ تصوف در سرزمین‌های گوناگون؛ مصر»، در: *دائرة المعارف بزرگ اسلامی*، زیر نظر: کاظم موسوی بجنوردی، اول، تهران: مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی.

بحرالعلوم، سید مهدی (۱۴۱۸). *رساله سیر و سلوک (تحفة الملوک)*، چاپ چهارم، [بی‌جا]: انتشارات علامه طباطبائی.

بهارى همدانى، محمد (۱۳۸۲). *برنامه سلوک در نامه‌های سالکان*، گردآوری: شیروانی، علی، چهارم، قم: دارالفکر.

بهایى عاملی، محمد بن حسین (بی‌تا). کلیات، [بی‌جا]: انتشارات کتاب‌فروشی محمودی. جامی، عبدالرحمن (۱۳۷۰). *نفحات الانس من حضرات القدس*، چاپ اول، تهران: انتشارات اطلاعات.

حسن زاده آملی، حسن (۱۳۷۹). *شرح العیون فی شرح العیون*، چاپ دوم، قم: مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.

\_\_\_\_\_ (۱۳۷۲). *هزار و یک نکته*، چاپ سوم، تهران: مرکز نشر فرهنگی رجاء.

حقی بروسوی، اسماعیل (بی‌تا). *تفسیر روح البیان*، بیروت: دار الفکر.

حلبی، علی اصغر (۱۳۸۵). *مبانی عرفان و احوال عارفان*، چاپ سوم، [بی‌جا]: انتشارات اساطیر.

حلی، احمد بن فهد (۱۴۰۷). *عدة الداعی و نجاح الساعی*، الطبعة الاولى، قم: دار الكتاب الاسلامی.

خندق آبادی، حسین (۱۳۸۷). «تصوف؛ تصوف در سرزمین‌های گوناگون؛ چین»، در: *دائرة المعارف بزرگ اسلامی*، زیر نظر: کاظم موسوی بجنوردی، اول، تهران: مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی.

راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲). *المفردات فی غریب القرآن*، الطبعة الاولى، دمشق - بیروت: دارالعلم - الدار الشامیة.

روزنامه جام جم (۱۶ فروردین ۱۳۹۰). س ۱۲، ش ۳۰۹۶.

سبحانی، جعفر (بی‌تا). *الزیارة فی الكتاب و السنة*، [بی‌جا]: [بی‌نا].

سزوارى، هادی (۱۳۷۲). *شرح الاسماء، شرح دعاء الجوشن الکبیر*، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

سلفی افغانی، شمس الدین (۱۴۱۶). *جهود علماء الحنفیة فی ابطال عقائد القبوریتة*، الطبعة الاولى، ریاض: دار الصمیعی.

سهارنپوری، خلیل احمد (۱۴۰۴). *المهّند علی المّفند (عقائد علماء اهل سنت دیوبند)*، لاهور: ادارة اسلامیات.

شیرازی، ملاصدرا محمد بن ابراهیم (۱۳۷۹). *الأسفار الأریعة*، الطبعة الثانية، قم: مکتبة المصطفوی.

شایستگی زیارت اهل قبور، عقیده مشترک عارفان و صوفیان تشیع و تسنن / ۱۱۱

صاحب، نوشین (۱۳۸۷). «تصوف؛ تصوف در سرزمین‌های گوناگون؛ یمن»، در: *دائرةالمعارف بزرگ اسلامی*، زیر نظر: کاظم موسوی بجنوردی، چاپ اول، تهران: مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی.

طباطبایی، سید محمدحسین (۱۴۱۷). *المیزان فی تفسیر القرآن*، چاپ پنجم، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین.

طریحی، فخرالدین (۱۳۷۵). *مجمع البحرین*، چاپ سوم، تهران: کتاب‌فروشی مرتضوی.

علوی طباطبایی، علیرضا (۱۳۸۲). *شب‌های قونیه*، چاپ اول، تهران: نشر علم.

غزالی شافعی، محمد (بی‌تا). *احیاء علوم الدین*، بیروت: دار الکتب العربی.

غزالی، احمد (۱۳۷۶). *مجموعه آثار فارسی*، به اهتمام: احمد مجاهد، تهران: دانشگاه تهران (مؤسسه انتشارات و چاپ).

فلاحی موحد، مریم (۱۳۸۷). «تصوف؛ تصوف در سرزمین‌های گوناگون؛ روسیه و قفقاز»، در: *دائرةالمعارف بزرگ اسلامی*، زیر نظر: کاظم موسوی بجنوردی، چاپ اول، تهران: مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی.

قاسمی، شریف حسین (۱۳۷۵). *تحقیقاتی درباره هند*، [بی‌جا]: بخش تحقیقات راینی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در دهلی نو.

قرطبی، محمد بن احمد (۱۳۶۴). *الجامع لأحكام القرآن*، چاپ اول، تهران: انتشارات ناصر خسرو.

قیصری رومی، محمد داوود (۱۳۷۵). *شرح فصوص الحکم*، به کوشش: سید جلال‌الدین آشتیانی، چاپ اول، [بی‌جا]: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.

کردی، محمد امین (۱۴۱۳). *تنویر القلوب فی معامله علام الغیوب*، [بی‌جا]: دار الایمان.

کسنزان حسینی، محمد بن عبدالکریم (۱۴۲۶). *موسوعة الکسنزان فیما اصطلح علیه اهل التصوف و العرفان، الطبعة الاولى، بیروت - دمشق: دارالآیة - دارالمحبة.*

مطهری، مرتضی (۱۳۷۴). *مجموعه آثار*، چاپ چهارم، تهران: انتشارات صدرا.

\_\_\_\_\_ (۱۳۸۰). *مجموعه آثار*، چاپ ششم، تهران: انتشارات صدرا.

\_\_\_\_\_ (۱۳۸۵). *مجموعه آثار*، چاپ سوم، تهران: انتشارات صدرا.

مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴). *تفسیر نمونه*، چاپ اول، تهران: دار الکتب الاسلامیه.

موسوی خمینی، سید روح‌الله (۱۳۷۰). *آداب الصلاة (آداب نماز)*، چاپ اول، [بی‌جا]: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.

\_\_\_\_\_ (۱۳۷۴). *شرح دعاء السحر*، چاپ اول، [بی‌جا]: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.

مولوی، جلال‌الدین محمد (۱۳۷۳). *مثنوی معنوی*، چاپ اول، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

نسفی، عزیزالدین (۱۳۶۲). *الانسان الکامل*، چاپ اول، تهران: کتابخانه طهوری.

نوربخش، جواد (۱۳۷۳). *فرهنگ نوربخش*، چاپ سوم، [بی‌جا]: مؤلف.

